

آشنایی‌زدایی

آشنایی‌زدایی یعنی تازه و نو، و غریب و متفاوت کردن آنچه آشنا و شناخته شده است؛ در اصطلاح یکی از تکنیک‌های ادبی است که اول بار در مکتب شکل گرایان (فرمایی‌زدایی) **رس** مطرح شد و یکی از مهمترین نظریه‌های این مکتب محسوب می‌شود. بنابراین نظریه، وظیفه **شاعر** و یا **هنرمند** این است که با غریب کردن مفاهیم آشنا و مشکل کردن فرم‌ها و افزونی بر دشواری، مت زمان درک خواننده را طولانی‌تر کرده و لحظه ادراک را به تعویق بیندازد، بدین سان باعث ایجاد **لذت** و ذوق ادبی گردد.

فهرست مندرجات

- تعريف شعر - ۱
- تعريف آشنایی‌زدایی - ۲
- حوزه‌های - ۳
- آشنایی‌زدایی
- جمع بندی - ۴
- پانویس - ۵
- منبع - ۶

۱ - تعريف شعر

با توجه به تعریفی که دکتر **شفیعی کنکنی** از **شعر** می‌کند: «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت گوینده شعر، با شعر خود عملی روی زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند» می‌توان آشنایی‌زدایی را در خدمت ایجاد این تمایز قلمداد کرد. به بین دیگر تفاوت و تمایز یک سخن معمولی با کلام شعری در نحوه به کارگیری زبان آن است. شاعر در شعرش واژه‌هارا برخلاف معمول و عادی آن به کار می‌برد، چیزی که از آن به عنوان «روستاخیز کلمات» یاد می‌کنند. مرز شعر و ناشعر همین رستاخیز کلمات است. البته این اصطلاح خود، قوانین و قواعدی دارد ولی به طور کلی در دو دسته موسیقیابی و زبان شناسی دسته بندی می‌شود.

۲ - تعريف آشنایی‌زدایی

«آشنایی‌زدایی» یکی از وجوده رستاخیز کلمات در محور زبان شناسی است. بدین معنی که کلمات در هنجار عادی گفتار مرده‌اند و هیچ تشخّص و پیّزهای ندارند؛ اما، هنر شاعر در این است که به این کلمات مرده جان می‌بخشد و علاوه بر ایجاد شعریت در کلام خود، باعث لذت ادبی مخاطب می‌شود.

۳ - حوزه‌های آشنایی‌زدایی

پس آشنایی‌زدایی یعنی غریب و متفاوت کردن آنچه تا به حال در نظر مخاطب آشنا و طبیعی بوده است و در دو حوزه بحث می‌شود:

۱) حوزه قاموسی آشنایی‌زدایی قاموسی یعنی کاربرد غیرمعمول و نامتداول کلمات. شاعر واژه‌های را به گونه‌ای به کار می‌برد که خلاف انتظار خواننده است؛ برای مثل «کژ و مژ» از اتباع‌اند و پیوسته با هم می‌آیند، اما زمانی که **مولانا** می‌گوید:

«چون کشتنی بی‌لنگر، کژ می‌شد و مژ می‌شد». با تفکیک آنها از هم، نوعی آشنایی‌زدایی کرده است.

و یا اوردن صفت عالی «ترین» برای صفت عادی «یگانه» که از نظر مفهوم قابل تفضیل نیست در شعر **فروغ فرخزاد** نوعی آشنایی‌زدایی است: «ای پار، ای یگانه‌ترین پار!»

۲) حوزه **نحو** و **دستور زبان**:

آشنایی‌زدایی در حوزه نحو یعنی بر هم زدن ساختار دستوری زبان و جابجا کردن اجزای جمله و بخل و تصرف در نحو آن، مثلاً در این شعر **سعدی**:

«اول منم که در همه عالم نیامده است زیباتر از تو در نظرم هیچ منظری» ساختار نحوی زبان به گونه‌ای است که خلاف انتظار خواننده است تا او ایل مصرع دوم، انتظار خواننده این است که شاعر مقام خوشن را در عالم از همه کس ممتاز کرده است، ولی بعد از کلمه «زیباتر از تو...» تمام جهت عوض می‌شود و با این خلاف انتظار و نوعی چشم بندی بلاغی، خواننده را مسحور می‌کند.

۳) ساختن ترکیب‌های تازه علاوه بر این، نوع سومی هم برای آشنایی‌زدایی بین کرده‌اند و آن «ساختن ترکیب‌های تازه از طریق پیوند دادن کلمات ممتاز است. این ترکیب‌ها علاوه بر اینکه کلمات

تشکیل دهنده خود را از حالت عادی و معمول خارج می‌کنند، اغلب، تصاویر زیبا نیز در ذهن خواننده ایجاد می‌کنند. مثل ترکیب «نعره سنگ» در این مصراج

۴ - جمع بندی

در زبان فارسی آشناییزدایی از همان اول مورد نظر بوده است، به خصوص در شعر شاعرانی چون [فردوسی](#) و [سعده](#) این مفهوم در نقادی بسیار مفید واقع شده است. چرا که فرایندی را توصیف می‌کند که در مورد انواع مختلف ادبیات معتبر است و ادبیات را از سایر وجوده کلامی متمایز می‌کند. در نهایت، آشناییزدایی به برداشت تازه‌ای از [تاریخ ادبی](#) رهنمون گشت. برداشتی که نه بر ادامه سنت بلکه بر گسترهای ناگهانی از گذشته و پیدايش قواعد هنری نو استوار بود و سبکی جدید را پیریزی و معرفی می‌کرد. [۱][۲][۳]

منابع:

۵ - پاتویس

۱. ↑ شفیعی کنکی، محمد رضا، موسیقی شعر، تهران، آگاه، ۱۳۷۲، چلپ چهارم، ص ۶۳-۳.
۲. ↑ میرصلانی (نوالقر) میمنت، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران، کتب مهناز، ۱۳۸۵، چلپ سوم، ویراستار سوم، ص ۱۱.
۳. ↑ مکاریک، ایرناریما، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مهران مهاجر و محمد نبوی (ترجمه)، تهران، آگاه، ۱۳۸۴، چلپ اول، ص ۱۴.

۶ - منبع

ردهای این صفحه: [اصطلاحات ادبیات فارسی](#)